



ویژه نامه
شهادت امام حسن عسکری علیه السلام



شهادت امام حسن عسکری (ع) ویژه نامه



ولادت

قم، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۱۳] برخی دیگر از منابع نیز نام مادر آن حضرت را «سوسن» [ابن طلحه، مطالب السؤل، نجف، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۷۸؛ سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، نجف، ۱۳۸۳ق، ص ۳۶۲؛ البته نام سوسن در برخی منابع برای نام مادر امام هادی (ع) (نوبختی، فرق الشیعه، ۱۳۵۵ق، ص ۹۳) و در نقلی دیگر نام مادر امام زمان (عج) آمده است (ابن ابی الثلج، «تاریخ الائمه» مجموعه نفیسه، ۱۳۹۶ق، ص ۲۶) و «عسفان» [نوبختی، فرق الشیعه، ۱۳۵۵ق، ص ۹۶؛ گفته می شود نام این کنیز ابتدا عسفان بود و امام هادی نام او را حدیث نهاد. دانسته اند و نیز حسین بن عبدالوهاب نام او را «سلیل» ذکر می کند و با عبارت «او از زنان عارفه و صالحه بود» وی را ستوده است. [حسین بن عبدالوهاب، عیون المعجزات، نجف ۱۳۶۹ق، ص ۱۲۳]

آن حضرت تنها یک برادر به نام جعفر داشت که نزد شیعیان به جعفر کذاب معروف است. او پس از درگذشت امام عسکری (ع)، ادعای امامت کرد و با انکار تولد فرزندی برای ایشان، به عنوان تنها وارث، مدعی میراث آن حضرت شد. [طیبی، حیاة الامام العسکری، ۱۳۸۲ق، ص ۳۲۰-۳۲۴]

مادر آن حضرت پاکترین، پارساترین، پاکدامن ترین و والاترین بانوی زمان خود بود و راویان، ایشان را از بانوان عارفه و صالحه برشمرده اند. نام مادر امام را حدیث یا حدیثه گفته اند. برخی منابع مهم نام وی را حدیث یا سلیل که ممکن است لقب او باشد، ذکر کرده اند. در تعلیقه کتاب «کمال الدین» شیخ صدوق چنین آمده است: المشهور اسمها حدیث مصغراً أو سلیل. [کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۳۰۷]

لقاب

لقب های وی را هادی، نقی، زکی، رفیق و صامت ذکر کرده اند. برخی از مورخان لقب «خالص» را هم گفته اند. [ابن رستم طبری، دلائل الامامة، ۱۴۱۳ق، ص ۴۲۵]. «ابن الرضا» نیز لقبی است که امام جواد (ع)، امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) به آن شهرت یافته اند. [ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۵۲۳]. لقب «عسکری» نیز مشترک میان امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع)، است زیرا هر دو در شهر سامرا اقامت اجباری داشتند. «عسکر» عنوان غیرمشهوری برای سامرا بوده است. [ابن خلکان، وفيات الاعیان، ۱۹۷۱-۱۹۷۲م، ج ۲، ص ۹۴]. همچنین به خاطر اشتراک نام «حسن» میان ایشان و امام حسن مجتبی (ع)، ایشان را حسن «اخیر» نیز خوانده اند. [ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۵۲۶]

کنیه

امام هادی فرزند بزرگوار خود را به کنیه «أبومحمد» [اخبار الدول، ص ۱۱۷. بحر الانساب، ص ۲. تحفه الانام، ص ۸۶ و النجوم الزاهرة، ج ۳،

منابع معتبر تولد ایشان را در مدینه دانسته اند [مسعودی، اثبات الوصیه، ۱۴۰۹ق، ص ۲۵۸، ۲۶۶؛ شیخ مفید، الارشاد، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۱۳] ولی در برخی منابع از تولد او در سامرا نیز سخن رفته است. [ابن حاتم، الدر النظیم، مؤسسه النشر الاسلامی، ص ۷۳۷]

کلینی و بیشتر منابع متقدم امامیه ولادت حضرت را در ربیع الثانی سال ۲۳۲ دانسته اند. [نوبختی، فرق الشیعه، ۱۳۵۵ق، ص ۹۵؛ کلینی، کافی، ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص ۵۰۳؛ شیخ مفید، الارشاد، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۱۳] در روایتی به نقل از امام حسن عسکری نیز همین تاریخ ذکر شده است. [ابن رستم طبری، دلائل الامامه، ۱۴۱۳ق، ص ۴۲۳] شیخ مفید در برخی از آثارش ولادت امام را ۱۰ ربیع الثانی آورده است. [شیخ مفید، مسار الشیعه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۲؛ ابن طاووس، الاقبال، ج ۳، ص ۱۴۹؛ شیخ طوسی، مصباح المجتهد، ۱۳۳۹ق، ص ۷۹۲] در سده ششم قمری این قول به حاشیه رفت و تولد حضرت در ۸ ربیع الثانی شهرت یافته است [ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۵۲۳؛ کلینی، کافی، ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص ۵۰۳] که قول مشهور نزد امامیه نیز هست. برخی منابع متقدم از امامیه و اهل سنت ولادت حضرت را در سال ۲۳۱ نیز نوشته اند. [ابن ابی الثلج، «تاریخ الائمه» مجموعه نفیسه، ۱۳۹۶ق، ص ۱۴؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ۱۴۰۹ق، ص ۲۵۸]

در دیگر منابع نیز چنین آمده است که آن حضرت در ربیع الثانی - روز دهم [مسار الشیعه، ص ۳۰] یا هشتم [اعلام الوری، ص ۳۶۷] یا چهارم [مصباح کفعمی، ص ۵۳۰] - سال ۲۳۲ - به نقل خطیب [تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۵۷] ۲۳۱ - در مدینه [اخبار الدول، ص ۱۱۷؛ بحر الانساب، ص ۲؛ تحفه الامام، ص ۸۶؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۵۸، ۲۶۶؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۱۳] چشم به جهان گشود و ۲۸ سال زندگی کرد. [کافی، ج ۱، ص ۵۰۳] ابن خلکان تولد ایشان را روز پنجشنبه یکی از ماه های سال ۲۳۱ دانسته و قول دیگری را نیز که ششم ربیع الآخر سال ۲۳۲ می باشد، نقل کرده است. [وفیات الاعیان، ج ۲، ص ۹۴؛ الائمه الاثنی عشر، ابن طولون، ص ۱۱۳] مسعودی سن آن حضرت را به هنگام شهادت ۲۹ سال دانسته است. [مروج الذهب، ص ۴، ص ۱۱۲] بنابراین او باید تولد آن حضرت در سال ۲۳۱ را معتبر بداند.

نسب

نسب امام حسن عسکری (ع) چنین است: حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب.

او فرزند امام هادی (ع)، دهمین امام شیعیان اثنی عشری است.

به نقل از منابع شیعی، مادر آن حضرت کنیزی به نام حدیث یا «حدیثه» بوده است. [کلینی، کافی، ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص ۵۰۳؛ شیخ مفید، الارشاد،



و کنیزان متعدد رومی و صقلایی و ترک داشت [مسعودی، إثبات الوصیة، ۱۴۰۹ق، ص ۲۶۶، به نقل از: پاکتچی، «حسن عسکری (ع)، امام»، ص ۶۱۸]. و شاید این اختلاف در نام مادر امام زمان، از سویی به سبب تعدد کنیزان و از سوی دیگر به منظور پنهان نگاه داشتن تولد امام مهدی (عج) بوده است. [محمدی ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ۱۳۹۳ش، ج ۲، ص ۱۹۴].

فرزندان امام

بر اساس غالب منابع شیعه و سنی، تنها فرزند آن حضرت، امام زمان (عج) مسما به «محمّد» است. [ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۵۲۳؛ طبرسی، «تاج الموالید» در مجموعه نفیسه، ۱۳۹۶ق، ص ۵۹؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۲۷۴؛ ابن صباغ، الفصول المهمه، ص ۲۷۸؛ شبلنجی، نور الابصار، ص ۱۸۳، به نقل از: پاکتچی، «حسن عسکری (ع)، امام»، ص ۶۱۸]. درباره فرزندان حضرت، اقوال دیگری هم وجود دارد. برخی او را دارای ۳ پسر و ۳ دختر شمرده‌اند. [زرنندی، معارج الوصول الی معرفة فضل آل الرسول (ص)، ص ۱۷۶، به نقل از: پاکتچی، «حسن عسکری (ع)، امام»، صص ۶۱۸-۶۱۹]. خصیبی افزون بر امام مهدی (ع) از دو دختر به نام‌های فاطمه و دلاله نام برده [خصیبی، الهدایة الكبرى، ۱۴۱۹ق، ص ۳۲۸]. و ابن ابی الثلج افزون بر آن امام، پسری به نام موسی و دو دختر به نام‌های فاطمه و عایشه (یا ام موسی) را بر شمرده است، [ابن ابی الثلج، «تاریخ الاثمه» مجموعه نفیسه، ۱۳۹۶ق، ص ۲۱-۲۲؛ نک: فخرالدین رازی، الشجرة المباركة، ص ۷۹، به نقل از: پاکتچی، «حسن عسکری (ع)، امام»، ص ۶۱۹]. اما در برخی کتب انساب، نام‌های ذکر شده، خواهران و برادران امام حسن عسکری (ع) هستند [فخرالدین رازی، الشجرة المباركة، ص ۷۸، به نقل از: پاکتچی، «حسن عسکری (ع)، امام»، ص ۶۱۹]. که شاید با فرزندان او خلط شده‌اند. در مقابل این منبع مشهور، برخی از عالمان اهل سنت مانند ابن جریر طبری، یحیی بن صاعد و ابن حزم معتقد بودند که امام عسکری فرزندی نداشته است. [ابن حزم، جمهره انساب العرب، ۱۹۸۲م، ص ۶۱؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۲۲، به نقل از: پاکتچی، «حسن عسکری (ع)، امام»، ص ۶۱۹].

خلفای معاصر با امام

متوکل (۲۳۲ تا ۲۴۶) منتصر (۲۴۶ تا ۲۴۸) مستعین (۲۴۸ تا ۲۵۲) معتز (۲۵۲ تا ۲۵۵) مهتدی (۲۵۵ تا ۲۵۶) معتمد (۲۵۶ تا ۲۷۹)

شرایط سیاسی

دوره امامت امام عسکری (ع) همزمان با سه خلیفه عباسی بود: معتز عباسی (۲۵۲-۲۵۵ق)، مهتدی (۲۵۵-۲۵۶ق) و معتمد (۲۵۶-۲۷۹ق). در دوره زندگی امام عسکری (ع)، دستگاه عباسی به ابزار دستی برای

ص ۳۲] و در دیگر منابع نیز «ابومحمد» و «ابوالحسن» [ابن رستم طبری، دلائل الإمامة، ۱۴۱۳ق، ص ۴۲۴]، ابوالحجه، ابوالقائم [خزعلی، موسوعة الإمام العسکری (ع)، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۳۲] به کار رفته است.

لقاب آن حضرت که آینه‌ی صفات برجسته و گرایش‌های والای ایشان است، عبارتند از: خالص: ایشان از هر آرایش و پلیدی پاک بودند. [اخبار الدول، ص ۱۱۷ و بحر الانساب، ص ۲] هادی: ایشان نماد هدایت و نشانه‌ی راهیابی و حرکت در صراط مستقیم برای عالمیان بودند. [بحر الانساب، ص ۲] عسکری: سامرا یک منطقه‌ی نظامی به شمار می‌رفت و امام را به خاطر اقامت در آنجا (یا محله‌ی آنجا) «عسکری» لقب دادند. لازم به ذکر است همانطور که مورخان تصریح کرده‌اند اگر در جایی لقب «عسکری» به تنهایی بکار رود مراد امام حسن عسکری است نه پدرشان. [بحر الانساب، ص ۲] زکی: ایشان شریف‌ترین و پاک‌نهادترین انسان روزگار خود بودند جان و دل خود را پاک کرده در راه اعمال نیک پرورش داده بودند. [تحفه الانام، ص ۸۷. بحار، ج ۵۰، ص ۲۳۶] (و در اخبار الدول و کتب دیگر، الخالص آمده است). [خاص: خداوند ایشان را با فضائل و اجابت دعا، ویژه و خاص خود گردانیده بود. [تحفه الانام، ص ۸] صامت: ایشان خاموش بودند و جز به یاد خدا، تعلیم و حکمت‌گویی، لب نمی‌گشودند. [تحفه الانام، ص ۸] سراج: ایشان چراغی بودند در تیرگی‌ها و مردم را به صلاح و تقوا راهنمایی می‌کردند. [جوهره الکلام، ص ۱] تقی: ایشان پرهیزگارترین انسان زمان خود بودند و بیش از هر کس پاسدار احکام دین و متکی به پروردگار به شمار می‌رفتند. [سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۵۹]

دلایل و مدت امامت

مهم‌ترین دلیل برای امامت امام حسن عسکری (ع) پس از شهادت امام هادی (ع)، وصیت و احادیث امام هادی (ع) درباره جانشینی حسن عسکری (ع) است. [شیخ طوسی، الغیبه، ۱۳۹۸ق، ص ۱۲۰-۱۲۲؛ اربلی، کشف الغمه، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۰۴-۴۰۷]. پس از شهادت امام هادی (ع) تعدادی از شیعیان جعفر بن محمد (ع)، پسر دیگر امام هادی (ع)، را امام خود خواندند؛ ولی بیشتر یاران امام هادی (ع) به امام حسن عسکری (ع) به عنوان امام رجوع کردند. [جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ۱۳۸۱ش، ص ۵۳۷]. امام عسکری (ع) به مدت ۶ سال (از ۲۵۴ تا ۲۶۰) امامت کرد.

همسر امام

طبق نقل مشهور، امام عسکری (ع) همسری اختیار نکرد و نسل وی تنها از طریق کنیزی ادامه یافت که مادر حضرت مهدی (عج) است. [پاکتچی، «حسن عسکری، امام»، ص ۶۱۸] منابع، نام مادر امام مهدی (عج) را متعدد و مختلف ذکر کرده‌اند. در منابع آمده است امام حسن عسکری (ع) خادمان



انشعاب های امامت بعد از شهادت امام هادی (ع)
 با توجه به این وصیت و تنصیب امام هادی (ع)، که از نظر شیعیان نشانه صحت امامت امام بعدی است، آنان امام حسن عسکری (ع) را به امامت پذیرفتند. یکپارچگی شیعیان، به جز شماری اندک، خود دلیلی بر مقبولیت این امر در جامعه شیعه در آن روزگار است. اما عده ای دچار انحراف شدند:

عده ای به امامت محمد بن علی هادی (سید محمد) (که در زمان حیات پدرش امام هادی (ع) وفات کرد) گرویدند. تعداد انگشت شماری جعفر بن علی الهادی را امام خود دانستند. پیروان جعفر بن علی «جعفریه خلص» لقب یافتند. [المقالات و الفرق، ص ۱۰۱] مسعودی، شیعه را از پیروان امام عسکری و فرزندش می داند که این فرقه در تاریخ به «قطعیّه» معروف شده اند. [مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱۲] عنوان قطعیه اشاره به گروهی است که نوعاً نه به مهدویت امام رحلت کرده بلکه بر رحلت امام پیشین قطع کرده و امامت امام بعدی را پذیرفته اند.

محدودیت ها و فشارهای خلفای عباسی بر امام

امام حسن عسکری علیه اسلام تحت فشارها و محدودیتهای زیادی از طرف خلفای عباسی زندگی می کرد چرا که در آن دوران شیعه به صورت یک قدرت عظیم در عراق درآمد بود و این باعث می شد که خلفاء احساس خطر کنند. [معارف، مجید. پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه. تهران: موسسه فرهنگی و هنری ضریح، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۷۳] روشن است که امام عسکری (ع) همانند سایر امامان، در صورت داشتن اختیار و آزادی، نه سامرا بلکه مدینه را برای زندگی انتخاب می کردند. در واقع اقامت طولانی ایشان در سامرا جز نوعی بازداشت از طرف خلیفه قابل توجیه نیست. به همین جهت از امام خواسته بودند حضور خود را در سامرا، به طور مداوم به آگاهی حکومت برساند؛ چنان که طبق نقل یکی از خدمتکاران امام، آن حضرت هر دوشنبه و پنجشنبه مجبور بود در دار الخلافه حاضر شود. [الغیبه، طوسی، ص ۱۲۹، در بعضی نسخه ها «دار العامه» آمده که گویا منظور همان «دار الخلافه» است.]

ارتباط امام و شیعیان

با توجه به ترکیب جمعیتی مذاهب در جامعه ای که اکثریت آن را اهل سنت تشکیل می دادند، و همچنین فشارهای عباسیان بر شیعیان، جامعه شیعه در تقیه به سر می برد. با این حال امام حسن عسکری نسبت به اداره امور شیعیان و گردآوری وجوهات اهتمام داشت و وکیلانی به سرزمین های مختلف می فرستاد. [مسعودی، اثبات الوصیه، ۱۴۰۹ ق، ص ۲۷۰؛ کشی، رجال کشی، ۱۳۴۸ ش، ص ۵۶۰]

امیران رقیب تبدیل شده بود و بخصوص فرماندهان نظامی ترک نقش مؤثری در نظام حکومتی داشتند. شاید نخستین موضع سیاسی ثبت شده در زندگی امام حسن عسکری (ع) مربوط به زمانی باشد که امام حدود ۲۰ سال داشت و پدرش هنوز زنده بود. ایشان در نامه ای به عبدالله بن طاهر (از امیران صاحب نفوذ در دستگاه عباسی، که از دشمنان مستعین، خلیفه وقت به شمار می آمد)، خلیفه را فردی طغیان گر خواند و ساقط شدن او را از خدا خواست. این ماجرا چند روز پیش از سقوط مستعین بود. [ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۱۵۱] پس از قتل مستعین، دشمن او معتز به قدرت رسید و با توجه به اطلاع احتمالی از موضع امام حسن عسکری (ع) نسبت به خلیفه مقتول، در آغاز حکومتش نسبت به آن حضرت و پدرش (حداقل در ظاهر) رفتار خصومت آمیزی نداشت. پس از شهادت امام هادی (ع) و جانشینی امام عسکری (ع) نیز شواهد حکایت از آن دارد که با وجود محدودیت هایی که برای فعالیت های ایشان اعمال می شده، امام از آزادی نسبی برخوردار بوده است. برخی از ملاقات های حضرت با شیعیان در اوائل امامت خود، این مسئله را تایید می کند. اما پس از گذشت یک سال، خلیفه به امام بدگمان شد و در سال ۲۵۵ ق. ایشان را زندانی کرد. امام در دوره یک ساله خلیفه بعدی (مهددی) نیز همچنان در زندان بود.

با آغاز خلافت معتمد (۲۵۶ ق) که با قیام های شیعی رو به رو بود، امام از زندان آزاد شد و بار دیگر به سازماندهی اجتماعی و مالی امامیه اهتمام ورزید. این نقش فعال امام، آن هم در پایتخت دولت عباسی، بار دیگر دستگاه خلافت را نگران کرد. در صفر سال ۲۶۰ ق امام به دستور معتمد به زندان افتاد و شخص خلیفه روزانه اخبار مربوط به امام را پیگیری می کرد. [مسعودی، اثبات الوصیه، ۱۴۰۹ ق، ص ۲۶۸] یک ماه بعد امام از زندان آزاد شد ولی تحت الحفظ به خانه حسن بن سهل (وزیر مامون) در نزدیکی شهر واسط منتقل شد. [مسعودی، اثبات الوصیه، ۱۴۰۹ ق، ص ۲۶۹]

دوران امامت

با شهادت امام هادی (ع) در سال ۲۵۴، امام عسکری (ع) به سمت امامت شیعیان اثنی عشری منصوب گردید. روایاتی که در وصیت امام هادی (ع) درباره امامت فرزندش وارد شده، در بسیاری از کتب حدیث و تاریخ شیعه، به چشم می خورد. [الغیبه، طوسی، ص ۱۲۰-۱۲۲؛ کشف الغمه، ج ۲، صص ۴۰۴-۴۰۷؛ الارشاد، ص ۳۳۵؛ روضه الواعظین، ص ۲۴۷؛ بحار الانوار، ج ۵۰، صص ۲۳۹-۲۴۶]. امام هادی (ع) در وصف فرزند خویش می فرماید: «فرزندم ابومحمد اصیل ترین چهره ی خاندان نبوی و استوارترین حجت است. او بزرگ فرزندانم و جانشین من است و امامت و احکام آن به سوی او بازمی گردد» [اعیان الشیعه، ج ۴، ق ۳، ص ۲]



دیدار با امام

در اثر مراقبتی که نسبت به امام حسن عسکری (ع) وجود داشت، شیعیان برای دیدن او مشکل داشتند و از راه‌های گوناگون تلاش می‌کردند؛ برای نمونه هنگامی که خلیفه برای دیدن والی بصره می‌رفت و امام حسن عسکری (ع) را نیز همراه خویش می‌برد، اصحاب امام در طول راه خود را برای دیدن وی آماده می‌کردند. [شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۸۷].

نحوه ارتباط شیعیان با امام

از برخی روایات فهمیده می‌شود که در زندگی امام حداقل دورانی وجود داشته که امکان دیدار مستقیم با آن بزرگوار در خانه اش نبوده است و شیعیان معمولاً در مسیری که امام به مرکز حکومت رفت و آمد می‌کرد، توفیق زیارت چهره آن حضرت را داشته‌اند. در کتاب الغیبه آمده است که در یوم النوبه (روز مراجعه امام به مرکز حکومت) شور و شعفی در میان مردم پدید می‌آمد و خیابانها مملو از جمعیت می‌شد. آن گاه که امام در خیابان حضور می‌یافت، هیاهو خاموش می‌شد و امام از میان مردم عبور می‌کرد. [طوسی، الغیبه، ص ۲۵۱]

علی بن جعفر از حلبی نقل می‌کند: در یکی از روزها که قرار بود امام به دار الخلافه برود ما در عسکر به انتظار دیدار وی جمع شدیم؛ در این حال از طرف آن حضرت توقیعی بدین مضمون به ما رسید:

ألا یسلمن علی أحد ولا یشیر الی بیده ولا یؤمئ فائکم لا تؤمنون علی أنفسکم. [الخراج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۳۹؛ الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۲۰۷] کسی بر من سلام و حتی اشاره هم به طرف من نکند؛ زیرا که در امان نیستید!

این روایت به خوبی نشان می‌دهد که دستگاه خلافت تا چه حد روابط امام با شیعیانش را زیر نظر داشته و آن را کنترل می‌کرده است.

در چنین وضعیتی امام تنها از طریق وکلا با شیعیان ارتباط داشت و آنها مسوولیت رد و بدل کردن نامه های شیعیان به امام یا وکیل ارشد آن حضرت و همچنین جمع آوری اموال مربوط به امام از تمامی مناطق شیعه نشین و رساندن آن به امام را بر عهده داشتند. عثمان بن سعید، شخصیت موجه و شناخته شده شیعی، وکیل ارشد امام بود و همه اموال به دست او می‌رسید. [طوسی، الغیبه، ص ۳۵۴] فرزند او محمد بن عثمان نیز منصب وکالت را به عهده داشت. [طوسی، الغیبه، ص ۴۰۰] احمد بن اسحاق اشعری، از عالمان بزرگ قم و از اصحاب خاص امام حسن عسکری علیه السلام وکیل آن حضرت در ناحیه قم بود.

[طوسی، الفهرست، ص ۶۳] و از وکلای بغداد می‌توان به ریان بن صلت بغدادی خراسانی اشعری اشاره کرد. [طوسی، الغیبه، ص ۲۹۵] وکیل آن حضرت در کوفه ایوب بن نوح بن دراج بود [طوسی، ص ۴۹۶] و علی بن جعفر همانی برمکی از وکلای مکه [مجلسی، زندگانی حضرت جواد و عسکریین علیه السلام، ص ۱۹۵] و عبدالله بن حمدویه بیهقی از وکلای حضرتش در بیهق و نیشابور بود. [طوسی، الغیبه، ص ۲۶۸] نقش امام حسن عسکری علیه السلام و اصحاب ایشان در حدیث امامیه، فرزند وحی، جمال / دارابی، فرشته، سفینه، شماره ۳۷، صفحه ۱۲۲]

شهادت امام حسن عسکری (ع)

بنا بر قول مشهور امام عسکری در ۸ ربیع الاول سال ۲۶۰ ق در ۲۸ سالگی در سامرا درگذشت. [کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۳۹۱، ص ۵۰۳؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۴۱۴]. البته گزارش‌هایی نیز درباره شهادت امام عسکری در ماه‌های ربیع الثانی و جمادی الاولی وجود دارد. [مقدسی، با پژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان، ۱۳۹۱، ص ۵۳۰-۵۳۳] شیخ مفید و ابن شهر آشوب آورده‌اند که او در ابتدای ربیع الاول بیمار شد و به سبب همین بیماری در گذشت. [شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۳۶؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۶ ق، ج ۳، ص ۵۲۴] امام عسکری در خانه‌ای که پدرش دفن شده بود، در سامرا، مدفون است. [شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۱۳]. سوابق بازداشت و خطری که همواره از طرف دستگاه حاکم متوجه جان حضرتش بود و این که حضرت یک شخصیت مخالف سیاسی به حساب می‌آمد و نیز رحلت آن حضرت در سنین جوانی، همگی دلیل شهادت آن حضرت می‌باشد. آن حضرت در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری توسط سومی که از طرف معتمد خلیفه عباسی به زور به ایشان خوراند شد به شهادت رسیدند.

امام حسن عسکری (ع) را نزد طاغوت عباسی «معتمد» آوردند. او که از احترام جمیع طبقات مردم به امام و مقدم داشتن ایشان بر تمام علویان و عباسیان به تنگ آمده بود و از شنیدن فضائل حضرت ملامت از کینه شده بود، تصمیم گرفت ایشان را به شهادت برساند. لذا زهری کشنده به امام خوراند. بر اثر آن، بدن حضرت رنجه گشت و ایشان بستری شدند، اما با همه درد و آلام جسمانی صبورانه کار خود را به خداوند واگذار کردند. [الارشاد، ص ۳۸۳]

از آنجا که امام یک چهره کاملاً شناخته شده در سامرا بود، هنگام رحلتش هاله‌ای از غم و بهت زدگی فضای سامرا را فرا گرفت. احمد بن عبید الله در روایتی که قسمتی از آن پیش از این ارائه شد، این صحنه را چنین وصف کرده: وقتی امام عسکری (ع) رحلت کرد، صدای شیون و فریاد همه جا را فرا گرفت. مردم فریاد می‌زدند: ابن الرضا رحلت کرد. آنگاه برای تدفین آماده شدند، بازار به حال تعطیل درآمد. پدر من (وزیر معتمد عباسی)، بنی هاشم، شخصیت‌های نظامی و قضایی و منشیان و مردم به سوی جنازه هجوم آوردند، آن روز در سامرا قیامتی برپا بود. [کمال الدین، ج ۱، ص ۴۳؛ نور الابصار، ص ۱۶۸؛ الغیبه، طوسی، ص ۱۳۲]

حرم

حرم امامین عسکریین (ع) دو بار به دست تروریست‌ها تخریب شد. اولین حمله در ۳ اسفند ۱۳۸۴ و دومین حمله پس از گذشت شانزده ماه در ۲۳ خرداد ۱۳۸۶ رخ داد. در نخستین تخریب، بمب‌گذاران با به کارگیری بیش از دویست کیلوگرم تی‌ان‌تی، گنبد و بخشی از گلدسته‌های طلایی حرم را فروریختند. در حمله دوم نیز گلدسته‌های طلایی تخریب شد. پس از این حملات تروریستی، بارگاه دو امام، در دست بازسازی و نوسازی قرار گرفت.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

عَدُوٌّ لِي



امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ و تحسین دوست و دشمن

موافقان، شیعیان، مخالفان، غیر معتقدان، همه، به فضل امام حسن عسکری سلام الله علیه، به علم او، به تقوای او، به طهارت او، به عصمت او، به شجاعت او در مقابل دشمنان، به صبر و استقامت او در برابر سختی‌ها، شهادت دادند و اعتراف کردند این انسان بزرگ، این شخصیت باشکوه، وقتی به شهادت رسید، فقط بیست و هشت سال داشت، این میشود الگو.

عید ۳۳
۹۰/۱۲/۱۰